

باسمه تعالی

اختیارات و میزان تمرکز و عدم تمرکز در برنامه‌ی درسی ملی

پیشنهاد برای
مطالعه
و اظهار نظر
«غیر قابل

دبیرخانه‌ی برنامه‌ی درسی ملی

پائیز ۸۷

اختیارات نظام آموزش و پرورش در تمرکز و عدم تمرکز و حدود آنها

مفهوم تمرکز در نظام آموزشی:

منظور این است که کلیه‌ی تصمیم‌گیری‌ها و کارکردهای مدیریتی در حوزه‌ی اختیارات وزارت آموزش و پرورش یا یک نهاد مرکزی است. دولت مرکزی بر اساس این سیستم تمام ابعاد نظام آموزشی از جمله وظایف مربوط به سیاستگذاری آموزش و پرورش، تدوین برنامه‌های درسی، استخدام معلمان و کارکنان، مدرسه‌سازی و سایر موارد را بر عهده دارد.

دلایل و زمینه‌های تمرکز در نظام‌های آموزش و پرورش:

وجود تجانس زبانی و یا توانایی اکثریت مردم یک کشور در فهم زبان ملی، شباهت‌های فرهنگی، پیروی اکثریت مردم از دین واحد، نظام حکومت متمرکز و حساسیت در مورد حفظ وحدت ملی، وجود تاریخ مشترک، از جمله دلایلی است که برخی از کشورها در تمرکز نظام آموزشی خود مطرح می‌کنند. تمرکز منابع مالی در مرکز، ایجاد وحدت رویه در کارها، عدم اعتماد به توانایی عوامل محلی.

مفهوم عدم تمرکز در نظام آموزشی:

منظور از عدم تمرکز واگذاری کلیه‌ی تصمیم‌گیری‌ها و کارکردهای مدیریتی آموزش و پرورش به ایالات و استان‌ها و یا انتقال تصمیم‌گیری از مرکز به حکومت‌های میانی، محلی، مدارس و خانواده‌ها و سازمان‌های نیمه مستقل دولتی و یا بخش خصوصی است.

دلایل و زمینه‌های عدم تمرکز در نظام‌های آموزش و پرورش:

تفاوت‌های زبانی و داشتن الفبای مختلف، تفاوت‌های نژادی، دینی و فرهنگی، وجود حکومت‌های محلی در کنار دولت مرکزی، پاسخگویی به نیازهای سیاسی اقوام و گروه‌ها، گستردگی جغرافیایی، بهره‌گیری از منابع مالی و مادی موجود در استان‌ها، مشارکت دادن مردم در تأمین هزینه‌های آموزش و پرورش، انطباق دادن برنامه‌ی درسی با مقتضات فرهنگی، قومی و نیازهای منطقه‌ای و تفاوت‌های جغرافیایی، افزایش کیفیت آموزش و پرورش، تفاوت در نیازهای مدارس هر منطقه، افزایش خلاقیت و نوآوری، ایجاد انعطاف پذیری در امور دادن اختیار به معلمان در زمینه‌ی برنامه‌ریزی درسی، سنتهای برنامه‌ریزی درسی، از جمله دلایلی است که برخی از کشورها در پذیرش نظام آموزشی غیر متمرکز مطرح می‌کنند..

محاسن تمرکز:

۱. با توجه به تمرکز مالی در دست دولت، استان‌ها و مناطق می‌توانند از حمایت دولت برخوردار شوند، زیرا دولت پشتوانه‌ی مناسب‌تری در مقایسه با مردم است.
۲. وحدت رویه در کشور به وجود می‌آید.
۳. وحدت ملی حفظ میشود و جلو تمایلات گریز از مرکز گرفته می‌شود.
۴. نفوذ دولت در جوامع محلی افزایش می‌یابد.
۵. فراهم شدن آموزش یکسان برای همه‌ی افراد و برخورداری دانش‌آموزان از فرصت‌های آموزشی
۶. سهولت نظارت بر عملکرد عوامل اجرایی
۷. اندازه‌گیری پیشرفت تحصیلی به دلیل وجود برنامه‌ی یکسان آسان‌تر است.
۸. امنیت شغلی کارکنان در نظام متمرکز بیشتر است.
۹. چارچوب برنامه‌ی درسی به دلیل تفاهم سریع‌تر در خصوص اجزاء آن سریع‌تر تدوین می‌شود.
۱۰. برنامه‌ریزی با مشکلات اجرایی و سیاسی کم‌تری مواجه می‌شود.

معایب نظام متمرکز:

۱. نظام متمرکز جلوی خلاقیت‌های فردی و محلی را می‌گیرد.
۲. نظام متمرکز قادر به پاسخگویی نیازهای فردی و شرایط محلی و منطقه‌ای نیست.
۳. معلمان، والدین و جوامع محلی نقشی در تصمیم‌گیری ندارند، به همین جهت دلبستگی چندانی به برنامه‌ها از خود نشان نمی‌دهند.
۴. نظام متمرکز کشور را از مشارکت محلی در تأمین منابع مالی، مادی و تفکر درخصوص آموزش و پرورش باز می‌دارد.
۵. مشکلات اجرایی و سیاسی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

محاسن عدم تمرکز:

۱. افزایش خودگردانی محلی و ایجاد زمینه برای مشارکت مردم در اداره‌ی امور
۲. افزایش منابع مالی آموزش و پرورش: انتظار می‌رود که تمرکز زدایی، موجب شود که بخشی از بار مالی آموزش و پرورش به استان‌ها و مناطق آموزشی و اولیای دانش‌آموزان منتقل شود.
۳. افزایش کارایی: این منطق مدعی است که برنامه‌ریزی متمرکز خط‌مشی‌هایی را پدید آورده است که بسیار پرهزینه بوده و در عین حال موجب کاهش کیفیت آموزش شده است. علاوه بر این، تصمیم‌گیری محلی در آموزش و پرورش مسائلی از جمله مشکل دسترسی به مدرسه، اتلاف منابع و سوء مدیریت را بر طرف می‌کند.

۴. باز توزیع قدرت سیاسی: تمرکز زدایی از آموزش و پرورش به عنوان ابزاری برای مشروعیت بخشی به نهادها عمل می کند و این نقش را به وسیله توزیع قدرت و دادن نقش مدیریتی بیشتر به شهروندان ایفا می کند. این نوع تمرکز زدایی سیاسی به جوامع محلی اجازه ی اظهار نظر بیشتر می دهد.

۵. بهبود آموزش: تمرکز زدایی کیفیت تدریس و یادگیری را افزایش می دهد، زیرا تصمیم ها را با شرایط محیط اجرا نزدیک تر می کند و این کار به معلمان و مدیران برای انجام کارها انگیزه می دهد.

۶. دادن حق دسترسی دانش آموزان به آن دسته از خدمات آموزشی که متناسب با نیازهای آنها است، در نظام عدم تمرکز بیشتر است.

معایب نظام غیر متمرکز:

۱. عدم تمرکز خود مانعی برای پیشرفت تحصیلی است و جلوی برابری فرصت های آموزشی را می گیرد.

۲. عوامل محلی از تخصص بالایی برای ایفای نقش خود به نحو مؤثر برخوردار نیستند.

۳. در برخی از کشورها نظام غیر متمرکز با روحیات و سنت های اجتماعی مردم سازگاری ندارد.

۴. ناحیه سازی برنامه ها با مشکلات اجرایی و سیاسی بیشتری مواجه می شود تا نظام متمرکز

۵. نظام غیر متمرکز در بسیاری از کشورها به ویژه در حوزه مالی موفق نبوده است.

شکل های تمرکز زدایی:

گرچه تمرکز زدایی بیان گر کاهش اختیارات و قدرت تصمیم گیری مراجع قانونی سطح بالاست اما این مفهوم در عرصه ی نظر دارای اشکال مختلفی است که هر کشور بنا به ماهیت سیاسی، اجتماعی، قانونی، مدیریتی و اقتصادی خود یکی از شکل ها را برمیگزیند.

چهار جنبه را برای تمرکز ذکر کرده اند:

۱. تمرکز زدایی سیاسی: واگذاری قدرت تصمیم گیری به شهروندان و یا نمایندگان آنها در سطوح پایین تر، چنین شیوه ای به معنای حذف نظارت دولت می باشد. در حوزه آموزش و پرورش اجرای کلیه فعالیت های آموزشی از جمله برنامه ریزی درسی مسئولیت تدوین برنامه های درسی بر عهده ایالت ها، مناطق و یا مدارس واگذار می شود.

۲. تمرکز زدایی مدیریتی: در این رویکرد قدرت در دست حکومت باقی است، اما مسئولیت و اختیار برنامه ریزی، مدیریت، امور مالی و سایر فعالیت ها به سطوح پایین تر حکومتی یا متصدیان نیمه مستقل واگذار میشود. در این رویکرد مرکز در خصوص برنامه ی درسی ملی

رهنمودهای بسیار کلی می‌دهد اما تدوین برنامه‌ی درسی همچنان بر عهده‌ی ایالات و مناطق است.

۳. تمرکز زدایی از نوع تفویضی: اختیار و انتقال بخشهایی از اختیارات و مسئولیت از دولت مرکزی به مؤسسات و سازمان‌ها یا نهادهایی است که در سطوح پائین‌تر، اما در درون وزارت خانه یا نهاد مرکزی قرار دارند، تفویض می‌شود (واگذاری موقت). در این شیوه وزارتخانه هم چنان مسئول اقدامات کارکنان بوده و سرمایه‌گذاری در نظام بر عهده‌ی آن است. تنها تفاوت آن با دو رویکرد قبلی در این است که بخش‌هایی از تصمیم‌گیری در درون نهاد از بالا به سطوح پایین منتقل می‌شود. در این رویکرد، اختیار و عدم تمرکز اغلب بین تمرکز زدایی و تمرکزگرایی در حال نوسان بوده و طی آن رهبران آموزشی تازه انتصاب شده مطابق با انگیزه‌های لحظه‌ای خود اختیار را واگذار و یا پس می‌گیرند. در این رویکرد مرکز مشخص می‌کند که کدامیک از اختیارات را می‌توان به نهادهای پایین دستی تفویض کرد.

۴. تمرکز زدایی از نوع واگذاری اختیار: در این رویکرد بخشهایی از اختیارات و مسئولیت از دولت مرکزی با توجه به مصوبات قانونی به مؤسسات، سازمان‌ها و یا نهادهایی که در سطوح پایین‌تر به فعالیت دارند، به طور دائم واگذار می‌شود. رویکرد مصوبات قانونی مشخص می‌کند که کدامیک از اختیارات برای همیشه از مرکز گرفته می‌شود و به استان‌ها واگذار می‌شود.

ابزارها و تدابیر لازم برای کاهش تمرکز:

شکی نیست که نظام‌های متمرکز و غیر متمرکز هر کدام محاسن و معایب خاص خود را دارند. کاهش تمرکز مستلزم توجه به یک سری از ملاحظات است. از جمله آن‌که:

۱. اهداف کاهش تمرکز در حوزه‌های مختلف و حدود اختیارات استان‌ها، مناطق و مدارس باید به دقت روشن شود.
۲. در خصوص حد و مرز عدم تمرکز سازمان‌ها و مناطق آموزشی مورد مشورت قرار گیرند.
۳. در تمرکز زدایی از جو‌زدگی و افراط‌گرایی خودداری شود.
۴. عدم تمرکز فرایندی برنامه‌ریزی شده و تدریجی است و نمی‌توان آن را به یک باره پیاده کرد.
۵. اجرای عدم تمرکز مستلزم ظرفیت سازی است. نیروی انسانی محلی باید به ابزارهای اعتقادی، علمی، اطلاعاتی و مدیریتی لازم تجهیز شود.
۶. تمرکز زدایی مستلزم تعریف و ایجاد ساز و کارهای نظارتی است.
۷. تمرکز زدایی مستلزم انجام برنامه‌ریزی حساب شده، توافق با گروه‌ها و خنثی سازی انتقادات نیروهای مخالف است. این کار مستلزم نوعی بستر سازی فرهنگی است.

۸. درارتباط با برنامه‌ی درسی ملی لازم است که سازمان‌های آموزش و پرورش در تهیه‌ی پیش نویس و تولید آن مورد مشورت قرار گیرند.
۹. حداقل برنامه‌ریزی ۱۰ درصد از برنامه‌ی درسی مدارس، (با هدف تولید برنامه‌ی درسی متناسب با شرایط بومی) به استان‌ها و مناطق آموزشی واگذار شود اما برنامه‌ها در نهایت لازم است که به تأیید مرکز برسند.
۱۰. در اجرای برنامه‌ی درسی ملی، حق استان‌ها و مناطق در تغییر و یا انعطاف در بخش‌هایی از برنامه‌های درسی مشخص شود.
۱۱. اجازه دادن به مناطق و مدارس در ایجاد نوآوری در برنامه‌ریزی درسی و توسعه‌ی صلاحیت علمی و حرفه‌ای کارکنان خود.
۱۲. تمرکز و عدم تمرکز به موازات هم مورد توجه قرار گیرند.

پرسش‌های مربوط به کمیته‌ی اختیارات و میزان تمرکز و عدم تمرکز:

۱. چرا تمرکززدایی و یا کاهش تمرکز در برنامه‌ی درسی ملی اهمیت و ضرورت دارد، مزایا و معایب تمرکززدایی در این عرصه کدامند؟

۲. پیش از واگذاری اختیارات در باب طراحی، تدوین و اجرای برنامه‌ی درسی ملی چه تدابیری باید اتخاذ گردد؟ (تدابیر اجرایی، توجیهی و آموزشی)

۳. با کدام روش در این زمینه موافقت دارید؟

الف. تمرکز زدایی مطلق ب. عدم تمرکز ج. حرکت به سمت کاهش تمرکز

لطفاً دلایل خود را در مورد انتخاب گزینه‌ی مورد نظر بیان فرمائید؟

۴. ابعاد کاهش تمرکز چیست؟

۵. کاهش تمرکز را در کدامیک از مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی ملی توصیه می‌کنید؟ و یا به عبارتی اختیارات استان، مناطق، مدارس و معلم به منظور سازگار کردن برنامه‌ی درسی و اجرای آن با توجه به شرایط جغرافیایی، محلی و بومی مکان زندگی شما چیست؟